

زبان معیار و کاربرد آن در رادیو



● لیلا رضایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

گروهی، اشخاص نیازمند داشتن زبانی هستند که در ورای گویش‌های منطقه‌ای خود، بتواند پاسخ‌گوی نیازهای تازه‌تر آنان باشد و یک ملت را - که از نظر سیاسی و اجتماعی در کشوری واحد زندگی می‌کنند - با هم مرتبط کند. به همین دلیل «زبان معیار»، برای برآوردن نیازها در جوامع گوناگون به کار گرفته شده است.

زبان معیار، که به آن «زبان رسمی» و «زبان استاندارد» هم می‌گویند، زبانی است که در اخبار و برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مطبوعات و مدارس به کار گرفته می‌شود و افراد تحصیل کرده به آن سخن می‌گویند. زبان معیار در هر کشوری دارای واژه‌ها و دستور زبان مدون و پذیرفته شده‌ای است که به گونه‌ای، بر همه

زبان، پدیده‌ای است که همه مردم جهان، از آن بهره می‌برند. زبان، با قرار گرفتن در محدوده‌های جغرافیایی خاص، به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شود که کار برقراری ارتباط را در میان مردم آن سرزمین‌ها برعهده می‌گیرد. به همین دلیل، دیگر بازبان به صورت یک کلیت روبه‌رو نیستیم، بلکه باید آن را به صورت جزئی‌تر بررسی کنیم.

در هر جامعه، افراد گوناگونی زندگی می‌کنند که همگی نیازمند برقراری ارتباط با یکدیگرند. هر چند این افراد به صورت بومی و در مقیاس محدود، زادگاه یا قبیله خود، زبانی برای ایجاد ارتباط، با یکدیگر دارند، اما با پیشرفت جوامع بشری و ایجاد ارتباط وسیع میان افراد یک کشور، به ویژه به وسیله رسانه‌های

گوش‌های منطقه‌ای تحمیل می‌شود. گروهی از زبان‌شناسان، به این کاربرد خاص زبان، «زبان گونه فرانهاد» می‌گویند. (ترادگیل، ۲۲)

تعدادی از زبان‌شناسان عقیده دارند که برای معیاربودن یک زبان، سه ملاک وجود دارد:

- ویژگی‌های ذاتی زبان
- نقش‌های زبان معیار در محدوده فرهنگ یک جامعه زبانی
- نظر جامعه درباره زبان معیار.

زبان‌شناسان درباره ویژگی‌های زبان معیار، تثبیت شدن زبان همراه با انعطاف آن، پختگی زبان از نظر علمی و فرهنگی و نیز مدون شدن اصول و هنجارهای زبان معیار از سوی محافل صلاحیت‌دار را لحاظ کرده‌اند. زبان معیار باید انعطاف‌پذیر باشد، به این صورت که در عین تثبیت شدن، در برابر تحولات جدید فرهنگی از خود انعطاف نشان دهد و همچنین باید از مرحله ارتباطات گفتاری گذشته، به مقام یک زبان دقیق برای بیان مقاصد علمی رسیده باشد. (صادقی)

نکته دیگر درباره زبان معیار، گسترش جغرافیایی آن است. گسترش جغرافیایی یک زبان معیار، در بیشتر موارد با مرزهای سیاسی هماهنگ است؛ به این معنی که شاید زبان معیار یک کشور در کشورهای دیگری که به همان زبان صحبت می‌کنند، معیار به شمار نیاید؛ مثلاً آنچه در کشور ایران، زبان معیار شمرده می‌شود، در کشور افغانستان یا جمهوری تاجیکستان، الزاماً معیار به شمار نمی‌آید.

زبان‌شناسان درباره ویژگی‌های زبان معیار، تثبیت شدن زبان همراه با انعطاف آن، پختگی زبان از نظر علمی و فرهنگی و نیز مدون شدن اصول و هنجارهای زبان معیار از سوی محافل صلاحیت‌دار را لحاظ کرده‌اند.

اما درباره منشأ تاریخی زبان معیار و اینکه چرا از میان همه گوش‌ها و لهجه‌های یک کشور، گوش و زبان خاصی، به صورت زبان معیار درآمده است، باتوجه به اینکه این سیر تاریخی یا عوامل مؤثر دیگر، در هر کشوری مخصوص شرایط آن جامعه است، لازم است زبان فارسی را نیز به صورت جداگانه و ویژه بررسی کنیم تا پاسخ این پرسش‌ها را در حیطه زبان فارسی بیابیم.

زبان فارسی معیار و سیر تاریخی آن

یکی از ویژگی‌هایی که برای زبان معیار برشمردیم، توان آن برای بیان مطالب پیچیده علمی و فرهنگی بود. براین اساس، زبان معیار باید قدرتمندترین و پخته‌ترین زبان یک کشور باشد تا بتواند این بار بزرگ را به دوش بکشد. زبان معیار باید این توانایی را در طول سیر تاریخی خود به دست آورده باشد. مثلاً زبان عربی، در سرزمین

زبان معیار، که به آن «زبان رسمی» و «زبان استاندارد» هم می‌گویند، زبانی است که در اخبار و برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مطبوعات و مدارس به کار گرفته می‌شود و افراد تحصیل کرده به آن سخن می‌گویند.

عربستان، زبانی بوده که قبایل آن را به لهجه‌های مختلف ادا می‌کردند. اما در میان اعراب، یک زبان رسمی دیگر هم وجود داشت که زبان انجمن‌های ادبی و شعر و خطابه بود. در این زبان، همه لهجه‌های قبایل عرب سهم داشته‌اند و این زبان، مجموعه‌ای از بهترین لهجه‌ها بوده است.

اما از آنجا که نمی‌توان نقش سیاست و قدرت سیاسی را در رواج زبان معیار نادیده گرفت، کم‌کم لهجه قبیله قریش بر این زبان غلبه یافت؛ زیرا مکه از دیرباز محل رفت و آمد قافله‌ها بود و به دلیل وجود کعبه، قریش با موقعیت خود، نه تنها در وحدت بخشیدن به زبان قوم عرب مؤثر بود، بلکه در پیراستگی و نیرومند کردن زبان خود هم می‌کوشید؛ به این صورت که واژه‌هایی را که تلفظ آنها آسان‌تر یا خوش‌آهنگ‌تر بود از قبایل دیگر می‌گرفت و بر زبان خود می‌افزود و به این ترتیب زبان قریشیان، زبانی قدرتمند و مورد پذیرش بسیاری از قبایل عرب گردید. (الفخوری، ۲۶)

این مختصر، نمونه‌ای از روند شکل‌گیری زبان معیار در یک محدوده جغرافیایی است. اما درباره زبان فارسی، به گواهی تاریخ: «زبان فارسی دری، در اواخر دوره ساسانی، زبان مردم تیسفون، پایتخت ساسانیان) بود و دری خوانده می‌شد و با زبان رسمی نوشتاری آن روز (پهلوی)، تفاوت‌هایی داشت. این زبان همراه با سپاهیان و دیگر مأموران دولتی از پایتخت به خراسان منتقل شده بود و ضمن تأثیر گرفتن از لهجه‌ها و گوش‌های محلی، به مرور جای آنها را گرفته، زبان گفتار آن منطقه شد...» (رستگار فسایی، ۴۶)

در پژوهش‌هایی که لازار (جرمیا) درباره سیر تاریخی زبان فارسی انجام داده، تا پایان دوره ساسانی، فارسی میانه (یعنی زبان رسمی و ادبی کشور ایران)، از زبان گفتاری همان زبان (یعنی زبان دری) در غرب ایران مشخص و متمایز است. به نظر او، در قرون اولیه، پس از پیروزی عرب بر ایران، زبان دری در شرق ایران- (یعنی در آن سوی جیحون)، گسترش بسیاری یافت و به صورت گویش مشترک گفتاری ایران درآمد. در حقیقت، فارسی و دری دو سطح یا دو گونه سبکی از یک زبان بوده‌اند؛ «فارسی» (میانه) زبان ارتباطات رسمی کشور و ادبیات مکتوب بود و «دری» در محاورات روزمره به کار می‌رفت. زبان دری، اندک اندک جایگزین گویش‌های محلی غیرفارسی - که بیشتر آنها تا قرن سوم هجری منقرض شده بودند- شد و چون سنت مکتوب نداشت، عناصر گویشی به درون آن راه یافتند. به این ترتیب زبان دری به صورت دو گویش درآمد: یکی در ناحیه مشرق (خراسان) که بیشتر عناصر غیرفارسی ایرانی (پهلوی اشکانی) را جذب کرد و دیگری در جنوب غرب که از نظر واژه‌ها و دستور، با فارسی میانه (پهلوی ساسانی) پیوند داشت.

پس از پیروزی عرب بر ایران، زبان عربی نیز به عنوان علم و فرهنگ در ایران نفوذ پیدا کرد. تا قرن سوم هجری، زبان عربی در ایران، به صورت زبان فرهنگی اصلی درآمد بود، اما در قرن بعد، این موقعیت زبانی دگرگون شد. در سراسر ایران، همزمان، دو زبان در دو سطح مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت: یکی از آن دو، (دری) را اکثر مردم فقط در گفتار به کار می‌بردند، اما دیگری (عربی)، زبان دین، حکومت، علوم و ادبیات بود که فقط افراد تحصیل کرده در گفتار و نوشتار از آن استفاده می‌کردند.

در طول دو قرن بعد (از قرن سوم تا پنجم هجری)، گویش شرقی دری - که بیشتر در خراسان و ماوراءالنهر به آن سخن می‌گفتند- پایه و اساس زبان ادبی در حال تکوین فارسی جدید را تشکیل داد و شاعران دربار سامانی، این گویش را تا مقام یک زبان ادبی، اعتلا بخشیدند. البته در اینجا، حضور یک قدرت سیاسی را هم نمی‌توان نادیده گرفت و آن، دولت نیمه مستقل سامانیان است. پادشاهان سامانی که خود با زبان عربی آشنایی نداشتند، به ترویج زبان فارسی دری پرداختند و در رشد و گسترش آن کوشیدند.

فارسی دری بارهایی از قید و بند برخی ویژگی‌های گویشی و ادغام عناصر عربی به میزان وسیع، تا اوایل قرن ششم هجری به صورت «هنجار ادبی» درآمد و زبان ادبی کلاسیک ایران را شکل داد. این زبان پایه‌ای استوار فراهم کرد که در طول سالیان و قرون متمادی، فارسی دری با همه دگرگونی‌های آن، همچنان

زبان معیار سرزمین ایران باقی بماند.

زبان فارسی در طول این سال‌ها، با وجود تأثیرپذیری از زبان‌های دیگر و نیز دگرگونی‌هایی که پیدا کرده بود، باز هم میدان دار همه گویش‌های سرزمین ایران و وسیله ارتباط مردم این سرزمین بوده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این سیر تاریخی نباید آن را نادیده گرفت، مسئله قدرت سیاسی - دینی اعراب در ایران است که سبب شد سیل عظیمی از واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیب‌ها و حتی قواعد صرفی و نحوی عرب به سوی زبان فارسی دری سرازیر شود. البته در این زمینه نباید رابطه علمی و فرهنگی ایران و عرب و فعالیت دانشمندان ایرانی را که پرچم‌داران علم و دانش سرزمین اسلامی به شمار می‌رفتند، نادیده گرفت.

به هر حال زبان فارسی، مانند هر زبان دیگری، در طول سال‌ها، به رشد و تکامل خود ادامه داد و با وام‌گیری از زبان‌های گوناگون بر غنای خود افزود؛ هر چند در زمینه ارتباط با زبان عربی، گاه و بیگاه چنان زیاده‌روی‌هایی از سوی عربی‌مابان صورت گرفت که تا حدی، تمامیت زبان فارسی را با خطری جدی روبه‌رو کرد.

زبان معیار باید انعطاف‌پذیر باشد،

به این صورت که در عین تثبیت شدن، در

برابر تحولات جدید فرهنگی از خود انعطاف

نشان دهد و همچنین باید از مرحله ارتباطات

گفتاری گذشته، به مقام یک زبان دقیق برای

بیان مقاصد علمی رسیده باشد.

زبان معیار گفتاری و نوشتاری

با توجه به اینکه در هر کشوری زبان معیار را می‌توان به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم کرد، از این دیدگاه نیز به بررسی زبان فارسی می‌پردازیم.

زبان فارسی امروز ایران، تقریباً از دوره صفوی (قرن دهم هجری) گونه‌ای نوشتاری (رسمی) داشته که سنت‌های ادبی قدیمی معمول را همچنان ادامه می‌دهد. این گونه نوشتاری را می‌توان پیش‌تاز فارسی معیار رسمی امروز به شمار آورد که در طول قرن‌ها، زبان حکومت رسمی بود. اما در همان زمان، شعر



همچنان از زبان کلاسیک و الگوهای ادبی سنتی پیروی می کرد. زبان گفتاری فارسی که وسیله ارتباط روزمره مردم بود، هم با این شکل رسمی زبان، تفاوت بسیاری داشت و هم با زبان شعر قدیم. از اوایل قرن نوزدهم تاکنون، تلاش های زیادی برای گسستن از هنجارها و تجدیدنظر در اصطلاحات اداری به منظور کاهش شکاف میان زبان ادبی و زبان عامیانه صورت گرفته است. این زبان محاوره ای مبتنی بر گویش تهرانی است و همان زبانی است که امروزه در رسانه های همگانی استفاده می شود و جنبه معیار پیدا کرده است. از پایان قرن گذشته تاکنون، تلاش هایی به وسیله استادانی چون دهخدا، جمال زاده و دیگران برای ارتقای این زبان محاوره ای به مقام زبان ادبی صورت گرفته است. این اقدامات - که با جنجال کهنه پرستان نیز روبه رو شد - را می توان از سال های دهه چهارم قرن بیستم، تا حدودی موفقیت آمیز دانست.

گذشته و دین سابق و...، یکی از لهجه های فارسی به نام فارسی دری را که توان ایستادگی در برابر همه تحولات سیاسی سالیان دراز تاریخ ایران را داشت، به کار گرفتند و این زبان، زبان رسمی و رایج ایران شد. آنچه ما امروزه به عنوان زبان معیار به کار می بریم، ادامه سیر همان زبان فارسی دری است که اکنون زبان رسمی کشور ایران است.

برجسته ترین نماینده های نثر فارسی جدید (هدایت و چوبک) دوباره زبان ادبیات را از بنیان، بررسی و در آن تجدیدنظر کردند و از سوی دیگر، با رواج روزنامه نویسی و ترجمه کتاب ها، زبان معیار، از حالت کاملاً رسمی کلاسیک خود به سوی فارسی محاوره ای ساده تری روی آورد که امروزه نقطه مهم و جایگاه اصلی آن را شهر تهران می دانند.

انواع زبان معیار

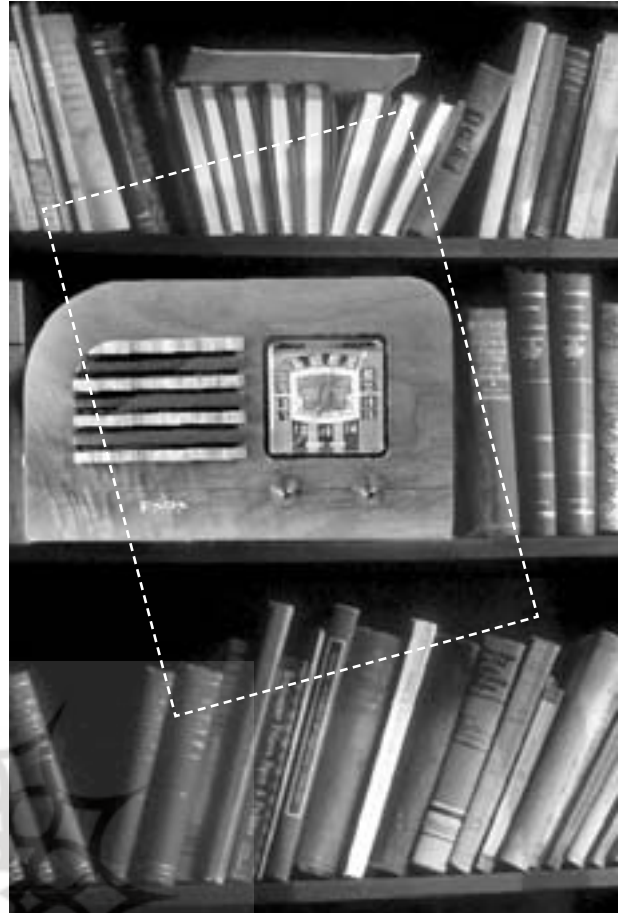
زبان معیار را معمولاً زبانی واحد و یکپارچه در نظر می گیرند که سبب ایجاد ارتباط میان افراد جامعه با گویش ها و لهجه های گوناگون است. از این نظر، نباید انتظار داشته باشیم در محدوده یک زبان معیار، با پراکندگی و دسته بندی روبه رو شویم. به ویژه اینکه معمولاً در پشت هر زبان رسمی در هر جامعه ای، قدرت سیاسی حکومتی نیز وجود دارد که آن زبان خاص را رواج می دهد و نیز وسایل ارتباط جمعی که در همه جوامع وجود دارند، کار یکسان سازی و تداول زبان معیار را آسان تر می کنند.

درست است که در هر جامعه ای، زبانی به عنوان زبان معیار، در نتیجه حوادث اجتماعی، سیر تاریخی و یا اعمال نفوذ طبقه حاکم تعیین می شود، اما همین زبان معیار واحد نیز پس از تثبیت شدن، دارای گونه های متفاوتی می شود که برای بررسی دقیق و کارشناسانه، باید این تقسیم بندی ها را نیز لحاظ کرد.

زبان فارسی معیار نوشتاری یا رسمی که دنباله فارسی کلاسیک است و زبان روشنفکران و افراد تحصیل کرده به شمار می رود، در واقع بار معنایی زبان معیار را نیز بر دوش می کشد. این زبان به سه دسته: «علمی»، «رادیو، تلویزیون و روزنامه ای» و «ادبی» تقسیم بندی

از اوایل قرن نوزدهم تاکنون، تلاش های زیادی برای گسستن از هنجارها و تجدیدنظر در اصطلاحات اداری به منظور کاهش شکاف میان زبان ادبی و زبان عامیانه صورت گرفته است. این زبان محاوره ای مبتنی بر گویش تهرانی است و همان زبانی است که امروزه در رسانه های همگانی استفاده می شود و جنبه معیار پیدا کرده است.

به این ترتیب در بررسی زبان فارسی معیار، می بینیم که پس از یک حادثه سیاسی مهم در تاریخ ایران، (حمله و پیروزی عرب)، زبان نیز هم پای دیگر تحولات دینی و اجتماعی با تحول عمده ای روبه رو شد. ایرانیان برخلاف دیگر ملت ها حاضر به پذیرش زبان عربی به عنوان زبان رسمی سرزمین خود نشدند. آنها با کنار گذاشتن زبان پهلوی به دلایل گوناگونی از جمله دشواری، تعلق به دوران



رابطه‌ای صمیمانه با مخاطب، نکات اجتماعی و اخلاقی را گوشزد کند، با هم متفاوت‌اند. زبان برنامه‌های طنز با زبان برنامه‌های سیاسی و یا خانوادگی تفاوت دارد، همچنین زبان برنامه کودکان و خردسالان با همه انواع این زبان‌ها متفاوت است. از سوی دیگر هر صنف یا طبقه‌ای نیز به نوعی سبک گفتاری خاص خود را دارد؛ راننده‌های تاکسی یا اتوبوس، کارگران، فرهنگیان، دانش‌آموزان، زنان خانه‌دار و... هر کدام به سبک خاص خود گفت و گو می‌کنند. زبان‌شناسان درباره عواملی مانند سن و جنس که هر کدام ایجادکننده سبکی خاص در کاربرد زبان معیار هستند، نیز تحقیق کرده‌اند. همچنین طبقه اجتماعی، مذهب و تحصیلات نیز می‌توانند در تنوع سبک‌های افرادی که از زبان معیار استفاده می‌کنند نقش داشته باشند. بر این اساس، تنوع سبک‌های زبان معیار، به گستردگی همه اصناف و طبقات و حتی افرادی است که در آن جامعه زندگی می‌کنند و ما برای برخوردی صحیح و علمی با زبان معیار، در عین پذیرش یکپارچگی و همگونی آن و اینکه در هر جامعه‌ای زبان معیار نقش متحدکننده و برقرارکننده ارتباط در میان افراد گوناگون جامعه را برعهده دارد، باید با مطالعاتی دقیق‌تر، این عوامل را هم در حیطه تقسیم‌بندی‌های این زبان قرار دهیم.

کاربرد زبان معیار در رادیو

رسانه‌های گروهی، یکی از مهم‌ترین منابع رواج زبان معیار در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند؛ زیرا به این وسیله، هنجارهای زبان

می‌شود. هر یک از این دسته‌ها، با وجود تفاوت‌هایی که در به‌کارگیری واژه‌ها یا اصطلاحات دارند، همگی در این زمینه با هم مشترک‌اند که جنبه‌ای کاملاً رسمی دارند و بیش از گفتار، با نوشتار در ارتباط‌اند.

اما با وجود اینکه به نظر می‌رسد زبان معیار گفتاری کمتر از گونه نوشتاری، قابل تقسیم‌بندی به انواع گوناگون باشد، در عمل، دامنه پراکندگی و تنوع آن بیشتر از زبان معیار نوشتاری است؛ زیرا همچنان که تنوع سبک در نوشتار دیده می‌شود، این امر را به گونه‌ای وسیع‌تر، در گفتار نیز می‌توان حس کرد، چون در گفتار، مسئله تلفظ - که در بسیاری از افراد متفاوت است - به گستردگی دامنه تنوع کمک می‌کند. بر این اساس در حیطه زبان معیار گفتاری هم با دامنه گسترده‌ای از این تنوعات روبه‌رو هستیم که باید با بررسی بیشتر، این گستردگی را در حیطه یک تقسیم‌بندی دقیق جاداد.

بنابر آنچه گفته شد، زبان فارسی معیار، انواع گوناگونی دارد. با یک نگاه کوتاه به اطراف خود می‌توانیم تاحدی دایره این تنوعات را ببینیم. زبانی که گوینده اخبار رادیو آن را به کار می‌برد، با زبان گوینده‌ای که پس از تمام شدن برنامه خبری، می‌کوشد در

رادیو، این امکان را فراهم می‌کند که با تلاشی همه جانبه، بکوشیم زبان را از نادرستی‌ها و کاستی‌های آن پالوده کنیم و از سوی دیگر، با کاربرد درست واژه‌های رسا و زیبا، زبانی قاعده‌مندتر و گوش‌نوا تر را به عنوان زبان معیار در جامعه رواج دهیم.

معیار در سراسر جامعه گسترش می‌یابد و هر کسی در هر بخشی از جامعه، با هر لهجه و گویش بومی و محلی، می‌تواند با بهره‌بردن از رسانه‌های گروهی، با همه افراد جامعه در ارتباط باشد. رادیویکی از رسانه‌هایی است که حیطه کاربرد آن در جامعه،



آنچه ما امروزه به عنوان زبان معیار به کار می‌بریم، ادامه سیر همان زبان فارسی دری است که اکنون زبان رسمی کشور ایران است.

برخی از پژوهشگران زبان‌شناسی انجام شده، در موارد زیادی الگوهای نادرست زبانی که به صورت وسیع در گفتار بسیاری از افراد می‌بینیم، حاصل کاربرد نادرست آنها در رسانه‌های گروهی و رواج آن در جامعه بوده است.

از سوی دیگر، به وسیله رسانه رادیو می‌توان الگویی درست از زبان معیار را در جامعه رواج داد و روزه‌روز بر رونق و قدرت و رسایی زبان افزود. رادیو، این امکان را فراهم می‌کند که با تلاشی همه جانبه، بکوشیم زبان را از نادرستی‌ها و کاستی‌های آن پالوده کنیم و از سوی دیگر، با کاربرد درست واژه‌های رسا و زیبا، زبانی قاعده‌مندتر و گوش نوازتر را به عنوان زبان معیار در جامعه رواج دهیم. بی‌توجهی به این نکته، می‌تواند سبب رواج الگوهای نادرست زبانی گردد، تا به آنجا که زبان معیار جامعه، به زبانی بیمار و ناتوان تبدیل شود.

در این مقاله، تنها به معرفی زبان معیار و کاربرد آن در رادیو پرداختیم. در مقاله‌های بعد، به گونه‌ای تخصصی‌تر به هر یک از ابعاد زبان معیار و بررسی چگونگی استفاده از آن در رسانه رادیو خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

منابع:

- ترادگیل، پیتر. **زبان‌شناسی اجتماعی** (ترجمه محمد طباطبایی)، تهران: آگاه.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۶۸). **تاریخ ادبیات زبان عربی** (ترجمه عبدالمحمد آیتی). تهران: توس.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). **انواع نثر فارسی**. تهران: سمت.
- صادقی، علی اشرف. **زبان معیار**. **مجله نشر دانش**، ۴. سال سوم.
- جرمیاس، او.ام. (۱۳۶۶). **دو زبان گونگی در زبان فارسی**. **مجله زبان‌شناسی**، ۱ و ۲. سال چهارم.

بسیار وسیع است؛ زیرا نه مانند مطبوعات است که نیاز به سواد خواندن داشته باشد و نه مانند تلویزیون است که امکان استفاده از آن در همه جا (مانند اتومبیل، کارگاه، مغازه، کشتزار و...) وجود نداشته باشد. به این دلیل، رادیویکی از عمومی‌ترین رسانه‌هاست و طیف وسیعی از افراد جامعه از آن بهره می‌برند.

باتوجه به فراگیربودن امکان استفاده از رادیو، تأثیر آن بر زبان معیار جامعه نیز به‌همین نسبت، زیاد است. توضیح اینکه در شبکه‌های گوناگون رادیویی که در تمامی ساعات شبانه‌روز به پخش برنامه مشغولند، انواع گوناگون برنامه‌ها وجود دارند که این زبان معیار را با بیشترین حد تنوع آن به کار می‌گیرند. در تقسیم‌بندی پخش برنامه‌های رادیویی، نیازهای طبقات گوناگون جامعه در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب همان‌طور که بخشی از برنامه‌های رادیو به گفتن اخبار یا تفسیر سیاسی روز یا برنامه‌های ویژه علمی اختصاص می‌یابد، بخشی دیگر نیز به پخش برنامه‌های گروه سنی کودک و نوجوان، برنامه‌های شاد و صمیمی مختص جوانان، برنامه‌های مذهبی، برنامه‌های مخصوص عشایر، روستاییان و کشاورزان و... می‌پردازد. پس با چنین طیف وسیعی از نیازها و برنامه‌هایی که بر پایه این نیازها ساخته می‌شوند، به جرئت می‌توان گفت: رادیو بیشترین گستره زبان معیار را به خدمت گرفته است. به‌ویژه اینکه در برنامه‌های رادیویی، بسیاری از گزارش‌ها و تلفن‌شنونده‌ها با گویش و لهجه‌های گوناگون لحاظ می‌شود.

گذشته از اینکه رادیو، زبان معیار را در گسترده‌ترین حیطه آن به خدمت می‌گیرد، بر این زبان نیز تأثیر بسیاری می‌گذارد؛ به‌طوری که رواج اصطلاحات یا واژه‌های تازه از زبان گوینده‌های رادیو، به سرعت بر افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. حال اگر این کاربرد نادرست باشد، کم‌کم عوارض آن را در جامعه خواهیم دید و بسیاری از فارسی‌زبانان به دلیل رواج الگوهای نادرست از سوی رسانه‌های گروهی - و به‌ویژه رادیو - در به کارگیری زبان معیار به سوی انحراف زبانی کشیده خواهند شد. باتوجه به تحقیقاتی که توسط